

شیوه‌های حل و فصل اختلافات در قراردادهای پیمانکاری دولتی

سید حسین میربافقی^۱

تاریخ دریافت: ۹۶/۲/۲۶

تاریخ پذیرش: ۹۶/۶/۷

چکیده:

قراردادهای دولتی به اقتضای طبع و ماهیت آن دارای اصول و قواعد ویژه‌ای هستند و قانونگذار در جهت تأمین منافع عمومی افراد جامعه، قوانین و مقررات خاصی برای آن‌ها تدوین نموده است. سالیانه مبالغ زیادی از بودجه عمومی دولت صرف احداث، تکمیل یا بازسازی طرح‌های عمرانی می‌گردد و از اینرو در راستای حسن اجرای طرح‌های مزبور، لازم است قراردادهای پیمانکاری مربوط، به نحوی مطلوب منعقد و مفاد آن‌ها اجرا گردد، چنانکه در قانون برگزاری مناقصات شرایط خاصی برای انعقاد و نظارت بر حسن اجرای قراردادهای یاد شده پیش بینی شده است. از جهتی نباید از نظر دور داشت که بروز اختلاف در قراردادهای پیمانکاری دولتی، طبیعی است و طرح دعوی جهت حل و فصل اختلاف حادث، در مراجع قانونی حق قانونی طرفین قرارداد می‌باشد. بدین علت ساز و کارهای خاصی در رسیدگی به این نوع اختلافات توسط مراجع قضایی و شبه قضایی در نظر گرفته شده است. در این تحقیق ماهیت حقوقی، نحوه و شیوه رسیدگی این مراجع مورد بررسی قرار خواهد گرفت تا نحوه بررسی این نوع از قراردادها با قراردادهای حقوق خصوصی که اشخاص با یکدیگر منعقد می‌نمایند مشخص گردد. ضمن اینکه پذیرش شرط داوری در این نوع قراردادها متفاوت از قراردادهای حقوق خصوصی خواهد بود.

کلمات کلیدی: مناقصه، هیات رسیدگی به شکایات، مناقصه گر، مناقصه گزار، قرارداد، داوری

۱- کارشناسی ارشد حقوق، نویسنده مسئول. رایانامه: mir_baf@yahoo.com

□ مقدمه:

قراردادهای دولتی از مباحث اصلی مورد مطالعه حقوق اداری محسوب می‌شود. قراردادهای پیمانکاری به عنوان دسته ای از این نوع قراردادها از اهمیت خاصی برخوردارند و دارای طبیعتی متفاوت از قراردادهای حقوق خصوصی می‌باشند. از آنجایی که شیوه رسیدگی به اختلافات پیمانکاران دولتی توسط حقوقدانان در کتب و مقالات موجود بطور کامل مورد بررسی قرار نگرفته است انجام این تحقیق ضروری بنظر می‌رسد. بنابر این به دلیل اینکه امور پیمانکاری جهت تأمین منافع عمومی افراد جامعه به مرحله اجرا در می‌آید از حیث استمرار امر خدمات عمومی در این نوع از قراردادها، از اقدامات خودسرانه دستگاه‌های اجرایی جلوگیری خواهد نمود.

از سوی دیگر بر اساس قوانین و مقررات سابق، از قبیل قانون محاسبات عمومی و آیین نامه معاملات دولتی هیچ مرجعی جهت رسیدگی به امور مناقصات پیش بینی نگردیده بود و فقط طرفین قرارداد می‌توانستند به مرجع قضایی (دادگستری یا دیوان عدالت اداری) و داوری، آن هم با شرایط خاصی مراجعه نمایند لکن قانونگذار در زمان تصویب قانون برگزاری مناقصات، ضمن شفافیت در امور مربوط به مناقصات دولتی، مرجعی به نام «هیأت رسیدگی به شکایات» ایجاد نمود تا این هیأت بتواند بر اساس ضوابط و مقررات در امور مناقصات دستگاه‌های اجرایی و طرح شکایت از مناقصه گران بررسی‌های لازم را انجام دهد. از طرفی وجود دستورالعمل‌های متفاوت از سوی معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور که در اجرای ماده ۲۳ قانون برنامه و بودجه و آیین نامه استانداردهای طرح‌های عمرانی از سه گروه صادر گردیده، برداشتهای مختلفی در اجرا در پی داشته و باعث بروز اختلاف گردیده است. بر این اساس مراجع خاصی بجز دادگستری که مرجع اصلی رسیدگی به تظلمات و شکایات می‌باشد توسط مقنن پیش بینی گردید تا نقش داوری را در رسیدگیها اتخاذ نماید.

□ ۱- شیوه‌های مرسوم جایگزین حل و فصل اختلافات

۱-۲- هیأت رسیدگی به شکایات در مناقصات

تا قبل از تصویب قانون برگزاری مناقصات، در قوانینی از قبیل قانون محاسبات عمومی و آیین نامه معاملات دولتی در صورتیکه در جریان مناقصه و قبل یا بعد از انعقاد قرارداد، شکایاتی از سوی افراد شرکت کننده در مناقصه صورت می‌گرفت، مرجعی جهت رسیدگی به این شکایات جز مراجع قضایی پیش بینی نگردیده بود. لیکن در قانون برگزاری مناقصات، قانونگذار نسبت به این امر توجه نموده و هیأتی را به نام «هیأت رسیدگی به شکایات» عهده دار این امر نموده است. این مرجع که ماهیت شبه قضایی دارد به منظور رسیدگی به دعاوی بین مناقصه گر و مناقصه گزار هیأت رسیدگی تشکیل گردید و اساسنامه هیأت رسیدگی به شکایات نیز به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. (ماده (۷) قانون برگزاری مناقصات)

۱-۲-۱- ترکیب هیأت رسیدگی به شکایات

اعضای هیأت به تناسب دستگاه ملی و دستگاه اجرایی استانی متفاوت می‌باشد. بر اساس بند (الف) ماده (۲) قانون اساسنامه هیأت رسیدگی به شکایات اعضای هیأت مرکزی برای رسیدگی به مناقصاتی که توسط دستگاه ملی برگزار می‌شود عبارت‌اند از:

- ۱- معاون ذی ربط سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
- ۲- نماینده وزیر یا رئیس سازمان ذی ربط در سطح معاون.
- ۳- معاون هزینه وزارت امور اقتصادی و دارایی و خزانه داری کل.
- ۴- معاون حقوقی رئیس جمهور.
- ۵- نماینده تشکل صنفی مربوط با توجه به نوع مناقصه.
- ۶- یک نفر قاضی مجرب با معرفی رئیس قوه قضائیه

لذا هیأت مربوطه در خصوص اعتبارات مربوط به وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و... که به عنوان دستگاه ملی تلقی گردیده و از بودجه عمومی دولت استفاده و موافقتنامه آن، ما بین بالاترین مقام دستگاه اجرایی و معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور مبادله می‌گردد، تشکیل خواهد شد.

اما طبق بند (ب) ماده (۲) قانون اساسنامه هیأت رسیدگی به شکایات، ترکیب اعضاء هیأت در هریک از استان‌ها برای رسیدگی به مناقصاتی که در دستگاه‌های اجرائی استانی برگزار می‌شود، عبارت‌اند از:

- ۱- استاندار یا یکی از معاونان ذی ربط
- ۲- رئیس دستگاه مناقصه گزار
- ۳- رئیس سازمان امور اقتصادی و دارایی استان
- ۴- رئیس تشکل صنفی با توجه به نوع مناقصه
- ۵- یک نفر قاضی به انتخاب رئیس قوه قضائیه.

«جلسات هیأت با شرکت حداقل چهار نفر از اعضاء رسمیت می‌یابد و مصوبات هیأت با رأی اکثر اعضاء حاضر معتبر خواهد بود». (ماده ۳ قانون اساسنامه هیأت رسیدگی به شکایات)

نقش و حضور شاکی در جلسه هیأت، همچنین اشخاص حقوقدان یا صاحب نظر و خبره جهت مشورت در قانون پیش بینی گردیده است. بنابراین، هیأت رسیدگی به شکایات «موظف است شاکی را برای شرکت در جلسه رسیدگی به منظور ادای توضیحات لازم (بدون حق رأی) دعوت کند. همچنین می‌تواند از سایر دستگاه‌های اجرایی یا اشخاص حقوقدان یا صاحب نظر و خبره به منظور مشورت (بدون حق رأی) برای شرکت در جلسه دعوت کند و در هر حال عدم حضور هریک از افراد مذکور مانع رسیدگی و صدور رأی از طرف هیأت نخواهد شد». (ماده ۴ قانون اساسنامه هیأت رسیدگی به شکایات)

۱-۲-۲- صلاحیت و اختیارات هیأت

هیأت، صلاحیت و اختیار رسیدگی به شکایات مربوط به اجرا نشدن هریک از مواد قانون برگزاری مناقصات و سایر قوانین و مقررات مربوط را خواهد داشت.

منظور از اجرا نشدن هریک از مواد قانون برگزاری مناقصات، این است که دستگاه اجرایی برگزار کننده مناقصه، موادی از قانون را نادیده گرفته و نوعاً اوامر و نواهی قانون را مورد رعایت قرار ندهد.. صلاحیت و اختیارات هیأت به شرح ذیل می‌باشد:

الف - شرکت افراد دیگر در ترکیب کمیسیون مناقصه به جای اعضای مندرج در قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳. (بند الف ماده ۵ قانون اساسنامه هیأت رسیدگی به شکایات) ترکیب این هیأت بر اساس ماده ۵ قانون برگزاری مناقصات، شامل رئیس دستگاه مناقصه گزار یا نماینده وی، ذیحساب یا بالاترین مقام مالی دستگاه مناقصه گزار حسب مورد، مسئول فنی دستگاه مناقصه گزار یا واحدی که مناقصه به درخواست وی برگزار می‌گردد، در مناقصات مربوط به شهرداری‌ها، در خصوص اعتبارات بودجه عمومی دولت، یک نفر از سوی شورای شهر به عنوان ناظر در جلسات کمیسیون مناقصه شرکت دارد، و اعضای کمیسیون در شرکت‌های دولتی به انتخاب هیأت مدیره خواهند بود. بنابراین هریک از افراد و مسئولین دستگاه اجرایی که در ترکیب کمیسیون قرار گیرند می‌بایست دارای شرایط لازم باشند و حضور افرادی غیر از افراد مذکور فاقد شرایط لازم و قانونی بوده و تصمیمات متخذه فاقد اعتبار قانونی می‌باشد. بنابر این مشاهده می‌گردد که در صورتجلسات کمیسیون مناقصه، افرادی به غیر از مقامات قانونی نسبت به امضاء صورتجلسات اقدام می‌نمایند و یا اظهار نظری می‌نمایند لیکن این اظهارات و امضاء در ذیل صورتجلسات، فاقد اعتبار قانونی می‌باشد. ب- عدم رعایت مقررات یا ضوابط مربوط از طرف کار گروه فنی بازرگانی در ارزیابی کیفی مناقصه گران یا ارزیابی فنی پیشنهادها. (بند ب) ماده ۵ قانون اساسنامه هیأت رسیدگی به شکایات)

کار گروه یا کمیته فنی بازرگانی وظیفه ارزیابی کیفی مناقصه گران یا ارزیابی فنی پیشنهادها را در مناقصات دو مرحله ای و در بعضی از موارد، در مناقصه‌های یک مرحله ای را دارد. در ارزیابی کیفی می‌بایست تضمین کیفیت خدمات و محصولات، داشتن تجربه و دانش در زمینه مورد نظر، حسن سابقه، داشتن پروانه کار یا گواهینامه‌های صلاحیت در صورت لزوم و توان مالی متقاضی برای انجام کار در صورت لزوم مورد بررسی قرار گیرد. (ماده (۱۲) قانون برگزاری مناقصات)

ج- عدم رعایت هریک از موارد مذکور در ماده (۶) قانون برگزاری مناقصات توسط کمیسیون مناقصه (بند «ج» ماده ۵ قانون اساسنامه هیأت رسیدگی به شکایات) ماده (۶) قانون برگزاری مناقصات راجع به مهم‌ترین وظایف کمیسیون مناقصه می‌باشد. از قبیل تشکیل جلسات کمیسیون مناقصه در موعد مقرر در فراخوان مناقصه، بررسی پیشنهادهای مناقصه گران از نظر کامل بودن مدارک و امضای آن‌ها و نیز خوانا بودن و غیر مشروط بودن پیشنهادهای قیمت، ارجاع بررسی فنی پیشنهادها به کمیته فنی بازرگانی در مناقصات دو مرحله ای، تعیین برندگان اول و دوم مناقصه، تصمیم گیری درباره تجدید یا لغو مناقصه، تنظیم صورتجلسات مناقصه و ارزیابی پیشنهادهای و تعیین پیشنهادهای قابل قبول طبق شرایط و اسناد مناقصه.

د- اعمال تبعیض در تحویل یا تشریح اسناد یا کسری آن‌ها در مقایسه با سایر مناقصه‌گران. (بند ۵ قانون اساسنامه هیأت رسیدگی به شکایات) اصل کلی در مناقصات این است که «تمامی اسناد مناقصه باید به طور یکسان به همه داوطلبان تحویل شود» (بند (الف) ماده ۱۴ قانون برگزاری مناقصات) بنابراین، عدم رعایت تحویل دادن اسناد به تمام مناقصه‌گران به صورت یکسان، باعث تبعیض خواهد گردید. به طور نمونه، در قسمت شرح کار، مشخصات فنی بازرگانی، استانداردها، نوع، کمیت و کیفیت کالا یا خدمات که جزء اسناد مناقصه می‌باشد، برای بعضی از مناقصه‌گران، کمیت و کیفیت کالا یا خدمات را در شرح اسناد حذف گردیده باشد یا مشخصات فنی بازرگانی، که این امر تأثیر در فرایند مناقصه داشته و باعث می‌گردد بعضی از مناقصه‌گران، کیفیت کالا و خدمات را مورد توجه قرار نداده و کمیسیون مناقصه پس از برگزاری جلسه، که این امر را به کمیته فنی بازرگانی ارائه می‌دهد، کمیته آن‌ها را حائز شرایط لازم ندانسته و مورد ارزیابی کیفی قرار ندهد و یا در ارزیابی کیفی امتیازات لازم را حائز نگردند.

ه- عدم رعایت حداقل مهلت‌های ده روز و یک ماه در قبول پیشنهادهای به ترتیب در مورد مناقصه داخلی و بین المللی از آخرین مهلت تحویل اسناد مناقصه. (بند (ه) ماده ۵ قانون اساسنامه هیأت رسیدگی به شکایات)

شرکت کنندگان در مناقصه پس از اینکه فراخوان مناقصه از طریق روزنامه‌های کثیرالانتشار یا استان مربوط انتشار یافت و مبادرت به خرید دریافت اسناد نمودند، می‌بایست پیشنهادهای خود را در خصوص مناقصات داخلی و بین المللی به دستگاه مناقصه‌گزار ارائه نمایند. مهلت قبول پیشنهادهای در مورد مناقصات داخلی و بین المللی از آخرین مهلت تحویل اسناد مناقصه به ترتیب نباید کمتر از ده روز و یک ماه باشد. (بند (ب) ماده (۱۵) قانون برگزاری مناقصات)

لذا در صورتیکه در فراخوان مناقصه مهلت قبول پیشنهادهای کمتر از ده روز در مناقصات داخلی درج گردد و این امر مورد ایراد یکی از مناقصه‌گران قرار گیرد. موضوع از مواردی است که هیأت رسیدگی به شکایات وارد رسیدگی خواهد شد.

و- گشایش پیشنهاد مناقصه‌گران در خارج از زمان و مکان مقرر (بند (و) ماده ۵ قانون اساسنامه هیأت رسیدگی به شکایات) «محل، زمان و مهلت دریافت اسناد، تحویل پیشنهادهای و گشایش آن‌ها» از مواردی است که جزء اسناد مناقصه می‌باشد. بنابراین در اکثر مناقصات، در اسناد مناقصه زمان یا تاریخ گشایش پیشنهادهای و مکان بازگشایی پیشنهادهای در اسناد مناقصه به طور مشروح به اطلاع مناقصه‌گران خواهد رسید. بنابراین در فرضی که دستگاه مناقصه‌گزار زمان یا تاریخ بازگشایی را ۸۹/۱۰/۲۰ و مکان آن را حوزه معاونت پشتیبانی دانشگاه علوم پزشکی مشهد قید نماید، لکن تاریخ بازگشایی اسناد مناقصه روز ۸۹/۱۰/۲۱ و مکان دفتر فنی دانشگاه باشد یا تاریخ بازگشایی ۸۹/۱۰/۲۰ لکن مکان آن دفتر فنی دانشگاه باشد هریک از این موارد که مورد رعایت دستگاه مناقصه‌گزار نگردیده و این امر مورد اعتراض و شکایت مناقصه‌گران قرار گیرد از مواردی است که هیأت رسیدگی به شکایات جهت تصمیم‌گیری وارد رسیدگی خواهد شد.

ز- عدم رعایت ترتیبات باز کردن پاکت‌های مناقصه. (بند (ز) ماده ۵ قانون اساسنامه هیأت رسیدگی به شکایات)

طبق بند (ب) ماده ۱۶ قانون برگزاری مناقصات، پاکت‌های مناقصه شامل تضمین شرکت در مناقصه (پاکت الف) پیشنهاد فنی بازرگانی (پاکت ب) و پیشنهاد قیمت (پاکت ج) خواهد بود که مناقصه گران می‌بایست آن را مورد رعایت قرار دهند. کمیسیون مناقصه نیز می‌بایست به ترتیب یاد شده نسبت به بازگشایی پاکت‌ها اقدام نماید، لذا عدم رعایت هریک از موارد و اینکه پاکت‌ها به ترتیب لازم توسط کمیسیون مناقصه بازگشایی نگردد خود از مواردی است که در صورت شکایت، هیأت رسیدگی به شکایات وارد رسیدگی می‌گردد. به طور مثال کمیسیون مناقصه بدون در نظر گرفتن پاکت (الف) و عدم بازگشایی آن تصمیم بگیرد اول پاکت (ب) که پیشنهاد فنی بازرگانی است مورد بازگشایی قرار گیرد تا موقعی که کمیته فنی بازرگانی پیشنهادها را مورد ارزیابی کیفی قرار داد نسبت به بازگشایی پاکت (الف) اقدام نماید یا کمیسیون مناقصه تصمیم بر آن گیرد که ابتدا قیمت‌های پیشنهادی را (پاکت ج) مورد بازگشایی قرار دهد تا ترتیبات لازم جهت بررسی اسناد کسانی که قیمت کمتر را با کیفیت مطلوب ارائه داده‌اند توسط کمیته فنی و بازرگانی صورت گیرد. ح- هرگونه قصور در دعوت که منجر به عدم امکان حضور مناقصه گران در هریک از جلسات گشایش پاکت‌ها شود. (بند (ز) ماده ۵ قانون اساسنامه هیأت رسیدگی به شکایات) تکلیف قانونگذار برای دستگاه برگزار کننده مناقصه این است که بر اساس بند (د) ماده ۱۸ قانون برگزاری مناقصات، دستگاه مناقصه گزار مکلف است از مناقصه گران یا نمایندگان آن‌ها جهت حضور در جلسه گشایش پیشنهادهای مالی دعوت نماید. بنابراین کوتاهی در دعوت از مناقصه گران که در جلسات گشایش پیشنهادهای مالی که شامل پاکت‌های تضمین (الف) و پیشنهاد قیمت (ج) می‌باشد. از مواردی است که در صورت شکایت، هیأت رسیدگی به شکایات وارد رسیدگی خواهد شد.

ط- شکایت مناقصه گران از تبانی بین مناقصه گران با یکدیگر یا بین مناقصه گران با مناقصه گزار. (بند (ز) ماده ۵ قانون اساسنامه هیأت رسیدگی به شکایات) تبانی در لغت به معنی «با یکدیگر قرار می‌دهند، نهانی پیمان بستن (بیشتر تبانی ضد شخص ثالثی)» است. (معین، ۱۳۷۱: ۱۰۱۹)

بنابراین امکان دارد مناقصه گران با تبانی یکدیگر قیمت را به گونه ای پیشنهاد دهند که پس از پایان مناقصه و اعلام برنده اول و دوم مناقصه، و قبل از انعقاد قرارداد، برنده مناقصه نسبت به پرداخت مبلغی به دیگر مناقصه گران اقدام نماید و این امر در روند صحیح و قانونی مناقصه اختلال ایجاد نماید. یا یکی از مناقصه گران با ایجاد رابطه با بعضی از مسئولین دستگاه برگزار کننده مناقصه و با ایجاد تبانی، نسبت به اطلاع از قیمت متناسب آگاهی پیدا نموده و مبلغ پیشنهادی را ارائه نماید، که این امر خود از موجبات تبانی بوده و در صورت اثبات آن، و شکایت یکی از مناقصه گران، هیأت رسیدگی به شکایات وارد رسیدگی خواهد شد.

لذا در نتیجه تبانی، می‌بایست ضرر متوجه دولت باشد، بنابراین طبق ماده واحده قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی «شاخصی که در معاملات یا مناقصه‌ها و مزایده‌های دولتی یا شرکت‌ها و مؤسسات وابسته به دولت یا مأمور به خدمات عمومی و یا شهرداری‌ها با یکدیگر تبانی کنند و در

نتیجه تبانی ضرری متوجه دولت و یا شرکت‌ها و مؤسسات مذکور شود به حبس تأدیبی از یک تا سه سال و جزای نقدی به میزان آنچه من غیر حق تحصیل کرده‌اند محکوم می‌شوند. هر گاه مستخدمین دولت یا شرکت‌ها و یا مؤسسات مزبور یا شهرداری‌ها و همچنین کسانی که به نحوی از انحاء از طرف دولت یا شرکت‌ها و یا مؤسسات فوق در انجام معامله یا مناقصه یا مزایده دخالت داشته باشند و با علم و یا اطلاع از تبانی معامله را انجام دهند یا به نحوی در تبانی شرکت یا معاونت کنند به حداکثر مجازات حبس و انفصال ابد از خدمات دولتی و شرکت‌ها و مؤسسات وابسته به دولت و شهرداری‌ها محکوم خواهند شد. در کلیه موارد مذکور در صورتی که عمل مطابق قانون مستوجب کیفر شدیدتری باشد مرتکب به مجازات اشد محکوم خواهد شد.» بنابراین عدم ضرر و زیان به دولت و... که در نتیجه تبانی مؤثر است، خود از اموری خواهد بود که در صورت ثبوت آن، هیأت رسیدگی به شکایات این امر را مورد توجه قرار خواهد داد. و در فرضی که تبانی بین مناقصه‌گران صورت گرفته لکن هیچ ضرر و زیانی به دولت نرسیده است، از موجبات تبانی تلقی نمی‌گردد. بنابراین «در صورتی که طی فرایند رسیدگی به شکایات برای هیأت روشن شود تبانی صورت گرفته است (اعم از اینکه با اطلاع مناقصه‌گزار بوده باشد یا بدون آن) ضمانت نامه شرکت در مناقصه همه تبانی‌کنندگان به نفع دولت ضبط می‌شود». (تبصره بند (ط) ماده (۵) اساسنامه هیأت رسیدگی به شکایات)

ی- تفکیک موضوع معامله در حالی که به طور متعارف یک مجموعه تلقی می‌شود توسط مناقصه‌گزار برای تغییر حد نصاب معاملات. «مبلغ یا برآورد معاملات مشمول هریک از نصاب‌های ... نباید به تفکیک اقلامی که به طور متعارف یک مجموعه واحد تلقی می‌شوند، به نصاب پایین‌تر برده شود». (تبصره (۳) ماده (۳) قانون برگزاری مناقصات) به طور مثال در یک معامله بزرگ برای ساختن یک مدرسه که می‌بایست از طریق مناقصه به پیمانکار واجد شرایط واگذار گردد، به گونه‌ای انجام شود که قسمتی از معامله به صورت کوچک و قسمتی به صورت معامله متوسط و قسمتی به صورت معامله بزرگ باشد. در صورتیکه موضوع هریک از معاملات در داخل همان موضوع ساختن مدرسه قرار دارد و در قالب یک معامله عمده امکان پذیر خواهد بود.

ل- انعقاد قرارداد با مناقصه‌گران فاقد صلاحیت

شرکت‌کنندگان در مناقصه در هر رشته می‌بایست صلاحیت‌های لازم را از مراجع ذیصلاح اخذ و گواهی‌نامه آن را در هر رشته کسب نمایند. بنابراین از آنجایی که «داشتن پروانه کار یا گواهی‌نامه صلاحیت» بر اساس جزء (۴) بند (الف) ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات از مراحل ارزیابی کیفی تلقی می‌گردد، لذا کمیته فنی بازرگانی می‌بایست بررسی صلاحیت پیمانکاران را مدنظر داشته باشد.

م- وجود هر نوع ابهام یا ایرادی که بر صحت مناقصه لطمه وارد کند

بر اساس بندهای (الف و ب) ماده ۱۷ قانون برگزاری مناقصات چنانچه شرکت‌کننده در اسناد مناقصه ابهام یا ایرادی مشاهده کند، می‌تواند از مناقصه گزار توضیح بخواهد از طرفی توضیحات و پاسخ به پرسش‌های مناقصه‌گران و هم‌چنین در صورت تشکیل جلسه توضیح اسناد، رونوشت صورتجلسه آن مطابق ماده ۲۲ این قانون به طور یکسان برای همه شرکت‌کنندگان مناقصه‌گر ارسال خواهد شد.

بنابراین وجود ابهام یا ایراد در بعضی از مناقصات و اسناد برای مناقصه گران اجتناب ناپذیر می‌باشد. در اینجا مناقصه گر این حق را خواهد داشت تا از دستگاه مناقصه گزار توضیحات لازم را بخواهد. بنابراین ابهام مطرح شده امکان دارد به گونه ای باشد که مناقصه گزار را متوجه ایراد و ابهام در اسناد نماید و می‌بایست پاسخ و رفع ابهام را مطرح نماید.

در پاسخ به پرسش مناقصه گران، مناقصه گزار به دو طریق می‌تواند رفتار کند:

- ۱- پاسخ به پرسش مناقصه گران از طریق ارسال نامه و رفع ابهام و ایراد به صورت کتبی
 - ۲- تشکیل جلسه توضیح اسناد. (اسماعیلی هریسی، شرح و تفسیر قانون برگزاری مناقصات ۳۵۹)
- در مرحله اول، ابهام مطرح شده به اندازه ای ساده می‌باشد که نیاز به تشکیل جلسه نداشته و می‌توان با ارسال نامه، اجمال و ابهام اسناد را رفع نمود.

لاکن روش دوم، به گونه ای مهم است که به جز تشکیل جلسه و انجام پرسش و پاسخ، رفع ایرادات مطروحه امکان پذیر نخواهد بود. بنابراین، امکان دارد بعضی از مناقصه گران در جلسه حضور پیدا نمایند و برای حفظ حقوق افراد غائب، لازم است رونوشت صورتجلسه توضیح اسناد به صورت یکسان و مساوی و بدون هر نوع تبعیض به همه مناقصه گران ارسال گردد.

لذا در صورتی که ابهامات و ایرادات مطرح شده به گونه ای باشد که دستگاه مناقصه گزار نتواند آن ابهامات را برای مناقصه گران تشریح نماید یا عدم برگزاری و پاسخگویی به ابهامات و ایرادات مطرح شده از سوی دستگاه مناقصه گزار، تأثیر در صحت مناقصه نداشته باشد، از مواردی است که در صورت شکایات، هیأت رسیدگی به شکایات نسبت به آن رسیدگی خواهد نمود.

۱-۲-۳- روش مراجعه به هیأت جهت شکایت از دستگاه مناقصه گزار

مطابق بند (الف، ب و ج) ماده ۲۵ قانون برگزاری مناقصات چنانچه هریک از مناقصه گران نسبت به اجرا نشدن موادی از قانون برگزاری مناقصات اعتراض داشته باشند می‌تواند به بالاترین مقام دستگاه مناقصه گزار شکایت کند از طرفی دستگاه مناقصه گزار مکلف است در مهلت پانزده روز کاری از تاریخ دریافت شکایت، رسیدگی‌های لازم را به عمل آورده و در صورت وارد دانستن اعتراض مطابق مقررات مربوطه اقدام نماید. و در صورتی که شکایت را وارد تشخیص ندهد، ظرف مهلت تعیین شده جوابیه لازم را به شاکی اعلام کند و «در صورت عدم پذیرش نتیجه توسط شاکی، هیأت رسیدگی به شکایات موضوع را بررسی و رأی قطعی را طی پانزده روز اعلام خواهد کرد. در صورت اعتراض هر یک از طرفین، موضوع جهت رسیدگی قانونی به مراجع ذیصلاح ارجاع می‌شود و فرایند برگزاری مناقصه نیز روال معمول خود را طی خواهد کرد.

بنابراین جهت مراجعه به هیأت رسیدگی به شکایات، مناقصه گر می‌بایست ابتدا روال قانونی مذکور را به انجام برساند. و پس از رسیدگی و دریافت جوابیه کماکان به اعتراض خود باقی باشد یا اینکه به رغم انقضای مهلت پانزده روز کاری برای پاسخ گویی دستگاه، پاسخی دریافت نکرده باشد، معترض ده روز از زمان دریافت جوابیه یا از زمان انقضای مهلت پانزده روز و عدم دریافت جوابیه، برای مراجعه به هیأت مهلت دارد (تبصره بند (م) ماده ۵ قانون اساسنامه)

۱-۲-۴- موارد عدم صلاحیت هیات رسیدگی به شکایات جهت رسیدگی

بر اساس ماده (۶) قانون اساسنامه هیات رسیدگی به شکایات قانون برگزاری مناقصات، هیات صلاحیت رسیدگی به اعتراضات زیر را ندارد:

الف- معیارها و روش‌های ارزیابی

منظور از معیارها و روش‌های ارزیابی طبق تبصره بند (الف) ماده (۶) قانون اساسنامه هیات رسیدگی به شکایات قانون برگزاری مناقصات «آن دسته از معیارها و روش‌های ارزیابی کیفی، فنی و بازرگانی است که در اسناد مناقصه اعلان شده باشد» ارزیابی پیشنهادها عبارتی است عام که هم شامل ارزیابی پیشنهادهای فنی - بازرگانی و هم شامل ارزیابی پیشنهادهای مالی می‌شود. در مناقصات یک مرحله ای فقط پیشنهادهای مالی مورد بررسی قرار می‌گیرد. ولی در مناقصات دو مرحله ای پیشنهادهای فنی - بازرگانی به گونه ای در پیشنهادهای قیمت اثر گذاشته و در نهایت به مناسب‌ترین قیمت منتهی می‌شود». (اسماعیلی هریسی، شرح و تفسیر قانون برگزاری مناقصات ۲۷۹) بنابراین در صورت عدم ذکر روش‌های ارزیابی پیشنهادها در اسناد مناقصه و تصمیم خود سرانه و بدون ضابطه توسط دستگاه مناقصه گزار، از مواردی خواهد بود که هیات رسیدگی به شکایات می‌تواند نسبت به آن، به علت عدم رعایت مقررات یا ضوابط مربوط از طرف کار گروه فنی بازرگانی در ارزیابی کیفی مناقصه گران یا ارزیابی فنی پیشنهادها وارد رسیدگی گردد.

ب - ترجیح پیشنهاد دهندگان داخلی به نحوی که در اسناد مناقصه قید شده باشد.

در مناقصات بین المللی، مناقصه گران داخلی نسبت به مناقصه گران خارجی ترجیح دارند. نحوه ترجیح مناقصه گران داخلی در اسناد مناقصه قید خواهد شد. مناقصاتی که در آن‌ها رعایت این قاعده به مصلحت نباشد، باید از سوی شورای اقتصاد تأیید شود. (بند (د) ماده ۲۰ قانون برگزاری مناقصات) از طرفی طبق ماده (۳) قانون حداکثر استفاده از توان فنی و مهندسی... ارجاع کار خدمات ... و پیمانکاری ساختمانی، تأسیساتی، تجهیزاتی و خدماتی صرفاً به مؤسسات و شرکت‌های داخلی مجاز است و در صورت عدم امکان بنا به پیشنهاد دستگاه اجرایی و تصویب شورای اقتصاد از طریق مشارکت از شرکت‌های ایرانی - خارجی مجاز خواهد بود. حداقل سهم ارزشی کار طرف ایرانی پنجاه و یک درصد (۵۱٪) خواهد بود.

بنابراین برای رعایت قوانین و حفظ و انضباط در انجام برگزاری و فرایند مناقصه، نحوه ترجیح مناقصه گران داخلی نسبت به مناقصه گران خارجی بایستی به صورت شفاف و واضح در اسناد مناقصه تبیین گردد. عدم قید این موضوع در اسناد مناقصه، امکان طرح شکایت را از طرف مناقصه گران در هیات رسیدگی به شکایات را در بر خواهد داشت.

ج- شکایاتی که یکماه پس از انقضاء اعتبار پیشنهادها به هیات واصل شده باشد.

اعتراضات انجام شده، به طور کلی دارای محدودیت زمانی و مرور زمان یک ماهه می‌باشد. شروع اعتراض، در هر مرحله از مراحل برگزاری مناقصه امکان پذیر خواهد بود. مدت اعتبار پیشنهادها از جمله مواردی است که در اسناد مناقصه این مدت بیان گردیده است. بنابراین مناقصه گر می‌بایست در این مدت زمان، نسبت به طرح شکایت اقدام بنماید. و در صورت اعتراض پس از یکماه، این امر

مشمول مرور زمان خواهد گردید. و طرح شکایت خارج از مهلت مقرر، قابل رسیدگی و اعتراض در هیأت رسیدگی به شکایات نخواهد بود.

د- شکایات برنده مناقصه پس از انعقاد قرارداد

در قانون برگزاری مناقصات (بند (۴) تبصره (۱) ماده ۸) به «شکایات برندگان مناقصه پس از انعقاد قرارداد» اشاره گردیده است و اینگونه استنباط می‌گردد که برندگان اول و دوم مناقصه نمی‌توانند نسبت به طرح شکایت پس از انعقاد قرارداد اقدام نمایند. از طرفی برنده دوم مناقصه که قراردادی با وی منعقد نمی‌گردد نیز حق شکایت از وی نوعاً سلب گردیده است. لکن قبل از انعقاد قرارداد و پیش از پایان مدت اعتبار پیشنهادهای این حق شکایت برای برندگان در مناقصه محفوظ خواهد ماند و می‌توانند در موارد خلاف قوانین و مقررات را اعلام نمایند.

۱-۲-۵- آیین دادرسی در هیأت رسیدگی به شکایات

الف- نحوه تسلیم و رسیدگی به شکایات

بر اساس بند (ض) ماده ۱۱ آیین نامه اجرایی قانون اساسنامه، قبول شکایت در یکی از دو حالت زیر پذیرفته محسوب می‌شود: ۱- سه روز کاری پس از دریافت شکایت و اعلام صلاحیت هیئت ۲- حداکثر پنج روز کاری از دریافت شکایت و خودداری هیئت از اعلام عدم صلاحیت.

در ماده (۷) قانون اساسنامه هیأت رسیدگی به شکایات قانون برگزاری مناقصات در بندهای مختلف تشریح گردیده است. در این خصوص شاکی مکلف است که شکایت خود را در مهلت مقرر قانونی به دبیرخانه هیأت تسلیم کند و دبیرخانه هیأت مکلف است پس از وصول شکایت دریافت آن را کتباً تأیید کند. در صورتیکه هیأت خود را برای رسیدگی صالح نداند، مکلف است ظرف سه روز کاری از دریافت شکایت، مراتب را حداکثر ظرف دو روز کاری از طریق دبیرخانه به اطلاع شاکی برساند. دبیرخانه تکلیف دارد که ظرف پنج روز کاری از زمان قبول و دریافت شکایت، زمان تشکیل جلسه رسیدگی را که بین پنج تا ده روز کاری آینده است، به تمام اصحاب دعوی اعلام و از افراد مذکور جهت شرکت در جلسه دعوت به عمل آورد. در اعلام مذکور کلیه مدارک و مستندات مورد نیاز هیأت می‌بایست به دعوت شدگان اعلام گردد. در این راستا، طرفین مکلف خواهند بود کلیه مستندات لازم و مورد نیاز هیأت را تا بیست و چهار ساعت کاری قبل از تشکیل جلسه رسیدگی، به هیأت ارائه و رسید دریافت نمایند. در صورتی که شاکی از ارائه مدارک و مستندات مورد درخواست هیأت، خودداری و امتناع نماید، این امر به منزله انصراف از شکایت تلقی گردیده و موضوع طرح شکایت منتفی خواهد شد. لکن در صورتی که دستگاه مناقصه گزار از ارائه اطلاعات و مدارک به هیأت خودداری نماید، مصداق نقص قانون تلقی و قابل پیگیری در مراجع ذیصلاح خواهد بود.

انصراف از شکایت نیز طبق بند (ط) ماده ۱۱ آیین نامه اجرایی قانون اساسنامه، در دو حالت قابل تصور خواهد بود: ۱- خودداری شاکی از ارائه مستندات به هیئت از طریق دبیرخانه ۲- انصراف کتبی شاکی از شکایت پس از تسلیم به دبیرخانه.

ب- نحوه رسیدگی و صدور رأی توسط هیأت رسیدگی به شکایات

بر اساس ماده (۸) قانون اساسنامه هیأت رسیدگی به شکایات قانون برگزاری مناقصات، هیأت موظف خواهد بود که نخستین جلسه رسیدگی را تشکیل و رأی خود را ظرف مدت پانزده روز کاری از زمان دریافت شکایت صادر و به طرفین ابلاغ نماید. در صورتی که فرایند ارجاع کار مناقصه جهت بررسی بیشتر موضوعات نیاز به توقف داشته باشد با رأی اکثریت اعضای هیأت، به مدت پنج تا حداکثر ده روز کاری فرایند ارجاع کار متوقف خواهد شد.

طبق ماده (۹) این قانون، در صورتیکه هیأت در رسیدگی‌ها انجام شده به یکی از جرائم عمومی یا تخلفات اداری برخورد نماید، موظف خواهد بود مراتب را جهت رسیدگی به جرم یا تخلف صورت گرفته به مراجع ذیصلاح قضایی یا هیأت رسیدگی به شکایات اعلام می‌نماید. این رسیدگی که توسط مراجع قضایی یا تخلفات اداری صورت می‌گیرد، مانع از رسیدگی هیأت و صدور رأی ظرف مهلت مقرر نخواهد بود.

در نهایت هیأت رسیدگی به شکایات بر اساس ماده (۴) آیین نامه اجرایی قانون اساسنامه هیئت رسیدگی به شکایات قانون برگزاری مناقصات، پس از شنیدن نظرات طرفین و بررسی اسناد و مدارک و مستندات مربوط، در رسیدگی‌های انجام گرفته، رأی خود را در جهات ذیل صادر می‌نماید:

الف: لغو مناقصه

ب: تجدید مناقصه

پ: رد شکایت

ت: تعلیق قرارداد

ث: فسخ قرارداد

ج: جواز ادامه قرارداد

چ: تأیید انصراف از شکایت

در صورتی که در موارد (الف) و (ب) هیأت به دلیل تقصیری که متوجه دستگاه مناقصه گزار بوده، رأی به تجدید یا لغو مناقصه صادر نماید، «باید میزان خسارتی را که از تجدید یا لغو مناقصه متوجه شرکت‌کنندگان در مناقصه می‌شود از طریق کارشناسان رسمی تعیین کند و دستگاه مناقصه‌گزار مکلف است معادل آن خسارت را به شرکت‌کنندگان بپردازد». (تبصره ۲) ماده ۱۰ قانون اساسنامه) در زمانی که قرارداد بین برنده مناقصه و دستگاه اجرایی منعقد و اعتراض نسبت به آن صورت گرفته باشد و هیأت شکایات را وارد تشخیص دهد موظف است در رأی صادره صراحتاً نسبت به تعلیق، فسخ یا جواز ادامه قرار داد اعلام نظر نماید. (تبصره ۱ ماده ۱۰ قانون اساسنامه هیأت رسیدگی به شکایات قانون برگزاری مناقصات)

۱-۳- حل اختلاف در قراردادهای

در اکثریت قراردادهای دولتی قید گردیده که در صورت وجود اختلاف بین طرفین (کارفرما و پیمانکار) طرفین بر اساس ماده ۵۳ شرایط عمومی پیمان عمل نمایند. بنابر این در صورت وجود این

قید، پیمانکار یا کارفرما نمی‌تواند بر خلاف مفاد قرارداد عمل و موضوع اختلاف را به مراجع قضایی منعکس نماید بلکه می‌بایست موارد لحاظ شده در ماده مذکور را پیگیری نماید.

۱-۳-۱- استعلام از سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور

بر اساس جزء (۱) بند (الف) ماده ۵۳ شرایط عمومی پیمان در مورد مسائل ناشی از برداشت متفاوت دو طرف از متون بخشنامه‌هایی که به استناد ماده ۲۳ قانون برنامه و بودجه از سوی سازمان برنامه و بودجه ابلاغ شده است هریک از دو طرف از سازمان برنامه و بودجه چگونگی اجرای بخشنامه مربوط را استعلام نماید و دو طرف طبق نظری که از طرف سازمان برنامه و بودجه اعلام می‌شود، عمل کنند.

طبق ماده ۲۳ قانون برنامه و بودجه، برای تعیین معیارها و استانداردها، همچنین اصول کلی و شرایط عمومی قراردادهای مربوط به طرح‌های عمرانی آیین نامه ای تهیه و پس از تصویب هیات وزیران براساس آن دستور العمل لازم به دستگاه‌های اجرایی ابلاغ می‌نماید و دستگاه‌های اجرایی موظف به رعایت آن‌ها می‌باشند. بر این اساس و طبق آیین نامه استانداردهای طرح‌های عمرانی بخشنامه‌های متعددی از سوی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تهیه و تصویب و جهت اجرا به کلیه دستگاه‌ها ابلاغ گردیده است. که این بخشنامه در سه نوع گروه دسته بندی گردیده‌اند. لذا صدور بخشنامه‌ها و دستور العمل‌های مختلف در کلیه رشته‌ها، این امکان و احتمال را دارد که برداشت‌های متفاوتی از مواد یا بخشنامه صادره توسط دستگاه اجرایی و مناقصه گر مطرح و نظرات هر کدام متفاوت است. زیرا هر یک از طرفین برای تأمین منافع بیشتر خودممکن است متن بخشنامه را به گونه ای تفسیر کند که به نفع خود و به ضرر طرف مقابل باشد. (اسماعیلی هریسی، مبانی حقوقی پیمان، ۱۳۸۷، ص ۴۲۷)

برای رفع اختلاف و پایان دادن به آن، جهت حل این موضوع هر یک از دو طرف می‌تواند از سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور استعلام می‌تواند و طبق نظر وی عمل می‌نمایند. اما تبعیت و پیروی از نظر اعلام شده از سوی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور برای طرفین لازم الاجرا نیست و بر اساس بندهای (ب) و (ج) ماده ۵۳ شرایط عمومی پیمان، در صورت عدم قبول موضوع جهت ارجاع به داوری به رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی اعلام می‌گردد تا در صورت موافقت وی به شورای عالی فنی ارجاع گردد. بنابر این به نظر می‌رسد «که برای ارجاع اختلاف توافق طرفین لازم نیست به عبارت دیگر اگر یکی از طرفین با استعلام از سازمان موافق نباشد نمی‌تواند مانع استعلام طرف مقابل شود هر چند طرف مخالف می‌تواند با عدم متابعت از نظر سازمان، اقدام طرف مقابل را خنثی کند». (سکوتی، حاجی نوری، ۱۳۸۹، ص ۱۸۳)

۱-۳-۲- ارجاع موضوع امر به کارشناسی یا هیأت کارشناسی

در مورد اختلاف نظرهایی که خارج از شمول بند ۱، است، رسیدگی و اعلام نظر درباره آن‌ها به کارشناسی یا هیأت کارشناسی منتخب دو طرف واگذار شود و دو طرف طبق نظری که از سوی

کارشناس یا هیأت کارشناسی، در چهارچوب پیمان قوانین و مقررات مربوط اعلام می‌گردد، عمل کنند. (جزء ۲) بند (الف) ماده ۵۳ شرایط عمومی پیمان)

به طور مثال ممکن است دو طرف پیمان در مورد صورت وضعیت موقت یا قطعی یا بکارگیری مصالح و تجهیزات و مانند این‌ها، اختلافاتی با هم داشته باشند، در اینصورت هرگاه کارفرما و پیمانکار به حل و فصل اختلافات به صورت مسالمت آمیز رضایت دهند. رسیدگی و اعلام نظر در این خصوص به کارشناس یا هیأت کارشناسی که توسط دو طرف انتخاب گردیده ارجاع خواهد شد. و هر دو طرف براساس نظریه ای که از سوی کارشناس یا هیأت کارشناسی، اعلام می‌گردد، عمل خواهد نمود. این روش نیز برای طرفین می‌تواند الزام آور نباشد: اول اینکه در انتخاب کارشناس یا هیأت کارشناسی اختلاف داشته باشند، دوم اینکه در صورت نداشتن اختلاف راجع به انتخاب کارشناسی یا هیأت کارشناسی، نظریه کارشناسی مورد قبول یکی از طرفین قرار نگیرد. دراین صورت مطابق بند (ب) ماده ۵۳ شرایط عمومی پیمان، برای حل اختلاف موضوع را به معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور اعلام می‌نمایند تا در صورت موافقت وی، جهت ارجاع به داورى به شورای عالی فنی ارسال گردد. «در صورتی که طرفین اختلاف خود را به کارشناس یا هیئت کارشناس ارجاع دهند و نظر کارشناس یا هیئت کارشناسی را بپذیرند محصول این رسیدگی سازش و مصالحه است». (سکوتی، حاجی نوری، ۱۳۸۹، ص ۱۸۴). با توجه به جمیع جهات، نظر کارشناسی برای طرفین قابلیت اجرا نداشته و می‌توانند طرفین موضوع را از طریق دادگاه پیگیری یا برای حل و فصل موضوع به داورى مراجعه نمایند.

۱- ۳- ۳- داورى در قراردادها

داورى یا حکمیت عبارت است از رفع اختلاف از طریق رسیدگی و صدور حکم اشخاصی که اطراف دعوی معمولاً آن‌ها را به تراضی انتخاب می‌کنند یا مراجع قضائی با قرعه برمی‌گزینند. (مدنی، ۶۶۷) از طرفی قرارداد داورى، عقدی است که بر طبق آن افرادی متعهد می‌شوند که اختلاف و دعوائی تحقق یافته و یا احتمالی خود را، به رسیدگی و اظهار نظر شخص یا اشخاص غیر از مراجع رسمی قضائی واگذار نمایند. (مدنی، ۱۳۷۲، ص ۶۷۶) بنابراین داورى، مجموعه اقداماتی که منجر به صدور رأی توسط شورای عالی فنی، در مورد طرح تملک دارائی‌های سرمایه ای، عمرانی خواهد شد. (بند (ج) ماده (۱) آیین نامه نحوه دریافت هزینه‌های انجام داورى توسط شورای عالی فنی مورخ ۸۵/۳/۷ هیئت وزیران)

از طرفی «اختیار داور در حل اختلافات ناشی از قرارداد (عقد) میان طرفین اختلاف است، اما اختیار قاضی در حل اختلاف ناشی از اقتدار دولت است. بنابر این داورى را می‌توان به یک دادگستری خصوصی تشبیه کرد که به هر حال اعتبار آن منوط به معتبر شناختن قرارداد حل اختلاف (قرارداد داورى) از سوی دولت است». (کاوپانی، ص ۱۳۱)

همچنین هیئت وزیران در این خصوص مصوبه ای را به شماره ۵۰۰۵/ت/۲۸۵۹۱ هـ مورخ ۸۲/۳/۱۲ هیئت وزیران بر اساس اصل یکصد و بیست و هفتم تصویب نموده است که بر اساس یکی از بندهای مصوبه،

«هرگاه در اجرا یا تفسیر مفاد قراردادهای عمرانی اعم از مدیریت، مشاوره، ساخت و اجرا بین دو طرف قراردادهای یادشده اختلاف نظری پیش آید که راجع به اموال باشد، هر یک از طرف‌ها می‌تواند درخواست ارجاع موضوع یا موضوعات مورد اختلاف به داوری را به نماینده یادشده ارائه نماید». نماینده یاد شده، در حال حاضر معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری باشد که با توجه به تغییر ریاست، وی به عنوان نماینده ویژه رئیس جمهور برای ارجاع اختلاف‌های ناشی از اجرا یا تفسیر قراردادهای مربوط به طرح‌های عمرانی به شورای عالی فنی تعیین می‌شود. بر همین اساس چنانچه نماینده یادشده با تقاضای مورد اشاره موافقت نمود مرجع حل اختلاف شورای عالی فنی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور خواهد بود. بنابر این اگر طرفین در قرارداد مرجع حل اختلاف را به ضوابط مقرر در ماده ۵۳ شرایط عمومی پیمان ارجاع نمایند لکن معاونت مذکور با حل اختلاف در شورای عالی فنی موافقت ننماید، رسیدگی به اختلاف در صلاحیت دادگاه خواهد بود که این امر در ماده ۴۶۳ آیین دادرسی مدنی نیز لحاظ گردیده است. بر اساس ماده مذکور «هر گاه طرفین ملتزم شده باشند که در صورت بروز اختلاف بین آن‌ها شخص معینی داوری نماید و آن شخص نخواهد یا نتواند به عنوان داور رسیدگی کند و به داور یا داوران دیگر نیز تراضی ننماید، رسیدگی به اختلاف، در صلاحیت دادگاه خواهد بود».

براساس اصل ۱۳۹ قانون اساسی «صلح دعاوی راجع به اموال دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد موکول به تصویب هیأت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس برسد. موارد مهم را قانون تعیین می‌کند» از طرفی در ماده ۴۵۷ قانون آیین دادرسی مدنی این موضوع نیز توسط قانونگذار بیان شده است: «ارجاع دعاوی مراجع به اموال عمومی و دولتی به داوری پس از تصویب هیأت وزیران و اطلاع مجلس شورای اسلامی صورت می‌گیرد. در مواردی که طرف دعوی خارجی یا موضوع دعوا از موضوعاتی باشد که قانون آن را مهم تشخیص داده، تصویب مجلس شورای اسلامی نیز ضروری است»

نکته مهم و قابل بحث در اینجا اینست که این نوع داوری در ماده ۵۳ شرایط عمومی پیمان و مصوبه هیئت وزیران آیا ارتباطی با اصل ۱۳۹ قانون اساسی دارد یا بی ارتباط از هم می‌باشند؟ در پاسخ به این سؤال می‌بایست مواردی از مصوبات هیئت وزیران، مورد بررسی قرار گیرد:

الف - مصوبات در خصوص اصل ۱۳۹

۱ - مصوبه شماره ۱۰۹۴۴۷/ت/۳۷۶۸۶ هـ مورخ ۸/۷/۸۶

۲ - مصوبه شماره ۲۱۷۸۷۶/ت/۴۱۵۲۲ هـ مورخ ۲۳/۱۱/۱۳۸۷

۲- این مصوبه بنا به پیشنهاد وزارت صنایع و معادن، ارجاع اختلاف ناشی از اجرای قرارداد بین شرکت نیرپارس تابع سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران با شرکت کاغذسازی کارون وابسته به شرکت آتیه دماوند به داوری مجازدانسته است که رونوشت به انضمام تصویر نامه اشاره شده در متن برای اطلاع ریاست محترم مجلس شورای اسلامی ارسال شده است.

۳- این مصوبه بنا به پیشنهاد وزارت صنایع و معادن، اختلاف قراردادی بین شرکت مجتمع کشتی سازی و صنایع فراساحل ایران (ایزوایکو) و شرکت ماشین سازی منگان موضوع نامه یادشده با توجه به توافق قراردادی از طریق داوری حل و فصل گردد.

ب - مصوبه مربوط به اصل یکصد و بیست و هفتم:

۱ - مصوبه شماره ۲۲۸۶۶/ت/۳۷۳۶۰ ن مورخ ۱۳۸۶/۲/۳۰

۲ - مصوبه شماره ۱۹۵۶۸۱/ت/۴۱۶۹۳ ن مورخ ۱۳۸۷/۱۰/۲۵

بنابر این با توجه به نوع تصویب مصوبات هیئت وزیران به عنوان مرجع حل اختلاف، داوری در قراردادهای پیمانکاری با داوری اصل ۱۳۹ متفاوت از هم می‌باشد چون در اکثر مصوباتی که در اجرای اصل ۱۲۷ تصویب می‌گردد به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی نمی‌رسد لکن مصوبات داوری راجع به اصل ۱۳۹ به مجلس شورای اسلامی ارسال می‌گردد. بنابر این به نظر می‌رسد که اصل ۱۳۹ «تنها شامل اختلافاتی می‌باشد که در دادگاه به عنوان دعوی طرح شده‌اند. زیرا: اولاً، واژه دعوی در معنای اخص و اصطلاحی خود به آن تنازع و اختلافی اطلاق می‌شود که به منظور رسیدگی و صدور حکم به دادگاه صالح ارجاع شده است. در فرهنگ حقوقی ایران نیز غلبه قطعی با مواردی است که لفظ دعوی به معنای اخص به کار رفته است. چنانچه در اصل ۱۶۷ قانون اساسی نیز لفظ دعوی به همین معنا استفاده شده نیز که در اصل ۱۳۹ قانون اساسی بکار رفته است اماره بر «طرف دعوی» است. ثانیاً، اصطلاح این است که اصل ۱۳۹ تنها شامل اختلافاتی می‌شود که در دادگاه به عنوان دعوی مطرح شده‌اند. بدین ترتیب اختلافاتی که هنوز به عنوان دعوی در دادگاه طرح نشده‌اند مشمول اصل ۱۳۹ نمی‌شوند. بنابر این «حکم اصل ۱۳۹ منصرف از مواردی است که مرجع داوری یک نهاد دولتی است و با توجه به اینکه مرجع داوری در پیمان به موجب ماده ۵۳ شرایط عمومی پیمان شورای عالی فنی معاونت مدیریت و نظارت راهبردی ریاست جمهوری که یک مرجع دولتی است، می‌باشد در نتیجه ارجاع اختلافات ناشی از اجرای پیمان به داوری (شورای عالی فنی) مشمول اصل ۱۳۹ قانون اساسی نمی‌باشد». (سکوتی، حاجی نوری، رضا و غلامرضا، ۱۳۸۹، ص ۱۸۶)

در رویه قضایی صادره شرکت آ - س - پ سهامی خاص دادخواستی به طرفیت خانم... و آقای ... مبنی بر صدور حکم بر ابطال و فسخ قرارداد جهت فروش شش دانگ یک دستگاه آپارتمان مطرح نموده که به استناد ماده ۱۳ قرارداد اختلاف ناشی از قرارداد به داوری محول نموده است که دادگاه طی قرار به اعتبار بند ۱۳ قرارداد، قبل از رجوع به داور طرح دعوی در عدلیه را مسموع ندانسته و قرار عدم استماع دعوی صادر می‌نماید که پس از تجدید نظر خواهی، شعبه ۲۱ دیوان عالی کشور این گونه رأی صادر نموده است:

«... اساساً نظر به اینکه طبق اصل یکصد و سی و نهم قانون اساسی «صلح دعوی راجع به اموال عمومی و یا ارجاعان به داوری در هر مورد موکول به تصویب هیئت وزیران گردیده» و حسب

۴ - این مصوبه بر اساس تصمیم نماینده ویژه رئیس‌جمهور در مورد ارجاع اختلاف‌های ناشی از اجرا یا تفسیر قراردادهای مربوط به طرح‌های عمرانی به شورای عالی فنی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور که اختلاف‌های ناشی از اجرا یا تفسیر قراردادهای عمرانی دستگاه‌های اجرایی با پیمانکاران و مشاوران مربوط، به شرح زیر برای داوری به شورای عالی فنی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور ارجاع گردیده است: ۱ - اختلاف شرکت ایران سردشت با نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با قراردادهای شماره ۱۰۶/۲۷/ن/ق مورخ ۱۳۸۱/۱۱/۱۵ و ۱۳۸۱/۲۷/ن/ق مورخ ۱۳۸۲/۱۲/۱۵.

فتوکپی نامه شماره ۵۱۲۵۶ - ۶۶/۵/۲۴ دبیر هیئت دولت موضوع اختلافات شرکت آ - س - پ (متعلق به بانک صادرات ایران) با اشخاص ثالث در جلسه مورخ ۶۶/۵/۱۸ هیئت وزیران مطرح و «عدم ارجاع به داوری» مورد تصویب قرار گرفته است بنابر این ایراد و اعتراض تجدید نظر خواه وارد و قرار تجدید نظر خواسته واجد ایراد قضایی تشخیص...» (بازگیر، ۱۳۸۶، ص ۶۲ و ۶۳)

در حال حاضر بر اساس مصوبه شماره ۱۵۸۸۱۶/ت/۳۸۸۵۷ مورخ ۱۳۸۶/۱۰/۱ هیئت وزیران اجازه ارجاع به داوری (موضوع اصل ۱۳۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به وزرای عضو کمیسیون لوایح تفویض گردیده است. لکن در صورتی که قرارداد از نوع قرارداد بین المللی باشد مرکز داوری بین المللی به طور مستقل در تهران تشکیل گردیده است. بر اساس بخشنامه شماره ۱۶۷۰۲۸ مورخ ۱۳۸۹/۷/۲۶ معاون اول رئیس جمهور «کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی و عمومی، نهادهای انقلاب اسلامی و استانداری سراسر کشور در قراردادهای خود، در صورت عدم توافق طرفین قرارداد بر تعیین دادگاه‌های ایران عنوان مرجع حل اختلاف، به جای درج مراجع داوری دیگر با متقاعد و توجیه نمودن طرف قرارداد و اعتماد سازی متقابل دائر بر استقلال مرکز داوری مزبور و جدائی آن از هر سازمان دولتی و با رعایت اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مرکز منطقه ای داوری تهران را به عنوان مرجع حل اختلاف انتخاب نمایند». همچنین بر اساس نظریه مشورتی شماره ۷/۲۴۲۱ مورخ ۸۳/۴/۱ «چنانچه در قرارداد، طرفین ملزم شده باشند که در صورت بروز اختلاف به داوری مراجعه نمایند، اما قبل از مراجعه به داوری، در دادگاه عمومی مبادرت به طرح دعوی نمایند، دعوی مطروحه قانوناً قابلیت استماع ندارد».

به طور کلی قرارداد داوری دارای آثار و نتایج می‌باشد:

«اولاً: با انعقاد قرارداد داوری، صلاحیت دادگاه در رسیدگی به اختلاف از میان می‌رود و چنانچه قرارداد قبل از بروز اختلاف منعقد گردد، مانع ایجاد صلاحیت برای دادگاه خواهد بود. ثانیاً: رأی داور پس از طی تشریفات ساده قابل اجراست. بنابر این برای اصحاب دعوی، نتیجه رأی داور با نتیجه رأی قاضی از این حیث یکسان است». (کاویانی، ۱۳۲)

□ ۱- آیین دادرسی در داوری

داوری در قراردادهای پیمانکاری متفاوت از داوری در قراردادهای خصوصی است. این امر از جهت حساسیت قانونگذار در جلوگیری از طرح شکایات در مراجع قضایی و حل اختلاف از طریق داوری می‌باشد. ضمن اینکه تعیین شخص داور در قراردادهای دولتی توسط مرجع قانونی (هیئت وزیران) مشخص گردیده و افراد حق دخالت در تعیین آن را ندارند اما در قراردادهای خصوصی افراد در تعیین و تغییر داور دارای آزادی هستند. همچنین تصمیمات شورای عالی فنی برای دولت بر اساس قانون لازم الاجرا می‌باشد لکن در قراردادهای خصوصی این امر به گونه ای دیگر است. از طرفی مطابق ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی مدنی، «داوران در رسیدگی و رأی، تابع مقررات قانون آیین دادرسی نیستند، ولی باید مقررات مربوط به داوری را رعایت کنند». وظیفه داوری در قراردادهای دولتی، بر اساس ماده ۵۳ شرایط عمومی پیمان بر عهده شورای عالی فنی می‌باشد.

شورای عالی فنی طبق ماده واحده تبصره ۸۰ قانون بودجه سال ۱۳۵۶، (تبصره‌های دائمی بودجه) «مربک از سه نفر که بنا به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و تصویب هیأت وزیران تشکیل و...»

بنابراین بر اساس بند (ج) ماده ۵۳ شرایط عمومی پیمان، هرگاه در اجرا یا تفسیر مفاد پیمان بین دو طرف اختلاف نظر پیش آید، هریک از طرف‌ها می‌تواند درخواست ارجاع موضوع یا موضوعات مورد اختلاف به داوری را به رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی ارائه نماید. چنانچه رئیس سازمان یاد شده با تقاضای مورد اشاره موافقت نمود، مرجع حل اختلاف شورای عالی فنی خواهد بود.

□ ۲- روش رسیدگی در شورای عالی فنی

طبق تبصره (۲ و ۳) بند (ج) ماده ۵۳ شرایط عمومی پیمان رسیدگی و اعلام نظر این شورا باید در چارچوب قرارداد منعقد و قوانین و مقررات مربوط انجام شود. پس از اعلام نظر شورا، طرف‌ها بر طبق آن عمل خواهند نمود همچنین ارجاع موضوع یا موضوعات مورد اختلاف به شورای یادشده تغییری در تعهدات قراردادی ایجاد نمی‌نماید و موجب آن نمی‌شود که یکی از دو طرف به تعهدات قراردادی خویش عمل نکند. رسیدگی در شورای عالی فنی، مستلزم پرداخت هزینه داوری است که به منظور تأمین هزینه‌های انجام داوری دریافت می‌شود. این امر قانونی، در قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت توسط قانونگذار مقرر گردیده است. بر اساس ماده (۳) این قانون، به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور اجازه داده می‌شود به منظور تأمین هزینه‌های انجام داوری توسط شورای عالی فنی از متقاضیان داوری در مورد طرح‌های عمرانی، هزینه‌های مربوط را بر اساس تعرفه‌ای که به تصویب هیأت وزیران می‌رسد اخذ و به حساب درآمد عمومی واریز نماید. میزان هزینه داوری، یک درصد (۱٪) خواسته تعیین می‌گردد. پرداخت هزینه داوری به عهده خواهان است. چنانچه نتیجه داوری به نفع خواهان باشد، هزینه داوری با پیش بینی در رأی صادره از خوانده اخذ خواهد گردید. چنانچه در جریان کار داوری طرفین سازش نمایند، و یا خواهان اعلام انصراف نماید، هزینه داوری تا آن مقطع، که کمتر از پنجاه درصد هزینه داوری نخواهد بود توسط شورا تعیین و دریافت خواهد شد. این هزینه دادرسی پس از دریافت از خواهان به حساب درآمد عمومی واریز می‌شود. این موضوع در مواد (۱) الی (۶) آیین نامه نحوه دریافت هزینه‌های انجام داوری توسط شورای عالی فنی مورخ ۸۵/۳/۷ به شماره ۲۳۱۸۹ / ت ۳۵۰۸۲ هـ هیئت وزیران بیان گردیده است.

از آنجایی که ارجاع به داوری، توسط شورای عالی فنی در قراردادهای پیمانکاری اختیاری است، لکن «قرارداد داوری که در ماده ۵۳ شرایط عمومی پیمان به صورت شرط ضمن عقد پیش بینی شده است چون ضمن عقد لازم (موافقتنامه) بین کارفرما و پیمانکار به امضاء می‌رسد لذا هر یک از آن دو چنانچه به نمایندگی از طرف اصیل، پیمان را امضاء می‌کند بر اساس اصل فوق، لازم است اختیار مخصوص ارجاع اختلاف به داوری را نیز داشته باشد». (اسماعیلی هریسی، مبانی حقوقی پیمان، ۱۳۸۷، ص ۴۳۳). بنابر این شورای عالی فنی در خصوص قراردادهایی که اعتبارات آن از محل

بودجه عمومی دولت و بر اساس موافقتنامه مبادله مابین سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور مبادله می‌گردد و در امور پیمانکاری می‌باشد دارای صلاحیت رسیدگی است و در خصوص امور غیر عمرانی فاقد صلاحیت می‌باشد. از طرفی در خصوص دستگاه‌هایی که دارای منابع داخلی می‌باشند از جمله شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی غیر دولتی دارای صلاحیت رسیدگی نمی‌باشد.

بر اساس ماده ۴۸۵ قانون آیین دادرسی مدنی «چنانچه طرفین در قرارداد داوری طریق خاصی برای ابلاغ رأی داوری پیش بینی نکرده باشند داور مکلف است رأی خود را به دفتر دادگاه ارجاع کننده دعوا به داور، یا دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد تسلیم نماید». بنابر این آراء داوری شورای عالی فنی پس از صدور، از طرف دبیرخانه شورا به طرفین ابلاغ خواهد شد و به نوعی وظیفه این دبیرخانه خواهد بود و نیازی به ابلاغ رأی به دفتر دادگاه نخواهد داشت و ابلاغ رأی شورا بر اساس ماده (۴) آیین نامه نحوه دریافت هزینه‌های انجام داوری توسط شورای عالی فنی «منوط به دریافت بقیه هزینه داوری خواهد بود».

□ ۳- اعتبار آراء داوری شورای عالی فنی

در مورد لازم الاجرا بودن رأی داوری حکمی در ماده ۵۳ شرایط عمومی پیمان مقرر نگردیده است. از طرفی «مطابق مقررات عام حاکم بر داوری (ماده ۴۸۰ آیین دادرسی مدنی) می‌توان گفت که طرفین ملزم به تبعیت از رأی داور و اجرای آن می‌باشند و فقط در مواردی که مقررات داوری تعیین کرده، می‌توانند به رأی داور در دادگاه صالح اعتراض نمایند». سکوتی، حاجی‌نوری، ۱۳۸۹، ص ۱۸۵) لیکن بر خلاف نظریه فوق، براساس بند (و) تبصره ۸۰ قانون بودجه سال ۵۶ که از تبصره‌های دائمی می‌باشد، «مصوبات شورای عالی فنی... برای دولت لازم الاجراست». بنابر این استنباط می‌گردد که آراء این شورا برای دولت و دستگاه‌های اجرایی وابسته به آن قطعی و لازم الاجرا خواهد بود و دستگاه اجرایی نمی‌تواند به علت خلاف بودن رأی صادره به مرجع قضایی شکایت نماید لکن پیمانکار یا طرف قرارداد می‌تواند در صورت داشتن دلایلی به مرجع قضایی شکایت نماید. بر اساس ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی در امور مدنی، رأی داوری در موارد زیر باطل است و قابلیت اجرایی ندارد:

- ۱ - رأی صادره مخالف با قوانین موجد حق باشد.
- ۲ - داور نسبت به مطلبی که موضوع داوری نبوده رأی صادر کرده است.
- ۳ - داور خارج از حدود اختیار خود رأی صادر نموده باشد. در این صورت فقط آن قسمت از رأی که خارج از اختیارات داور است ابطال می‌گردد.
- ۴ - رأی داور پس از انقضای مدت داوری صادر و تسلیم شده باشد.
- ۵ - رأی داور با آنچه در دفتر املاک یا بین اصحاب دعوا در دفتر اسناد رسمی ثبت شده و دارای اعتبار قانونی است مخالف باشد.
- ۶ - رأی به وسیله داورانی صادر شده که مجاز به صدور رأی نبوده‌اند.
- ۷ - قرارداد رجوع به داوری بی اعتبار بوده باشد.

در یک رأی صادره از شورای عالی فنی که به نفع دستگاه اجرایی صادر گردیده بود، پیمانکار نسبت به رأی صادره از دادگاه تقاضای ابطال رأی داور به علت عدم توجه شورا به مفاد ماده ۲۹ - هـ شرایط عمومی پیمان در تعلق شاخص سه ماهه چهارم سال ۷۹ به عنوان مبنای پیمان را مردود دانسته و اعلام داشته چون رأی داور بر خلاف مواضع حاصله و توافقات قراردادی بوده تقاضای ابطال آن را نموده است که دادگاه در رأی صادره اعلام می‌نماید:

«... این نتیجه حاصل می‌شود که آنچه مورد توافق اصحاب دعوی بوده استفاده از شاخص سه ماهه اول سال ۸۱ بوده نه سه ماهه چهارم سال ۷۹ به عنوان نرخ مبنای تعدیل. لذا با عنایت به مراتب فوق و مستند به مواد ۱۹۱ و ۱۹۳ قانون مدنی و ماده ۴۸۲ قانون آیین دادرسی مدنی دعوی خواهان را غیر ثابت تشخیص و...» (رأی صادره به شماره دادنامه ۱۰۴۰۲۰۰۱۰۹۷۳۸۱۰۸۹۰ مورخ ۱۳۸۹/۲/۲۱ صادره از شعبه دوم دادگاه حقوقی شهر کرد)

بنابر این، این حق برای پیمانکار وجود دارد تا در صورتی که رأی داور را بر خلاف قوانین و مقررات تشخیص دهد به مراجع قضایی شکایت نماید. بر اساس ماده (۴۸۲) قانون آیین دادرسی مدنی، «رأی داور باید موجه و مدلل باشد و مخالف با قوانین موجد حق نباشد». مقصود این است که «داورها نمی‌توانند صرفاً بر طبق عدل و انصاف رأی دهند و باید مانند دادرسان رسمی قوانین را رعایت کنند و در صورت تخلف رأی باطل است و نهایت دادرسان آن‌ها را از رعایت مقررات قانونی که صرفاً جنبه تشریفاتی داشته باشد معاف کرده است. مراد از قوانین موجد حق طرفین مربوط به حقوق مادی و ماهوی است مانند مقررات قانون مدنی و قانون تجارت و غیره». (متین دفتری، ۱۳۸۷، ص ۹۰) همچنین «مرجع داوری بر خلاف مراجع قضאותی عمومی که صلاحیتی عام دارند، تنها در محدوده موضوع داوری که در موافقت نامه داوری تعیین شده می‌تواند نسبت به صدور رأی اقدام نماید. البته آن هم در صورتی که طرفین در مراجعه به داور مأموریت رسیدگی داور را محدودتر از موضوع موافقت نامه نکرده باشند». (شمس، ۱۳۸۹، ص ۵۶۱ و ۵۶۲)

۱-۳-۴- داوری توسط شورای فنی استان

شورای فنی استان‌ها بر اساس لایحه قانونی واگذاری اختیارات فنی به استان‌ها مصوب ۵۸/۱۲/۱ به شماره ۲۶۵۳/د شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران تشکیل گردیده‌اند. یکی از وظایف وی بر اساس تبصره بند (۴) این قانون، «حل اختلاف میان دستگاه‌های اجرایی استان و عوامل اجرایی در چارچوب وظایف و مقررات موضوعه شورای فنی استان به خود شورا خواهد بود. شورا می‌تواند با طرف قرارداد توافق کند. این توافق برای طرفین قابل اجرا و غیر قابل اعتراض است و در صورت عدم حصول توافق، مدعی می‌تواند به دادگاه صلاحیتدار دادگستری مراجعه نماید». بنابر این شورای فنی استان‌ها که در حال حاضر در حوزه معاونت عمرانی استانداری‌ها فعالیت می‌نماید، در حل اختلاف پیمانکاران با دستگاه اجرایی در رابطه با اجرای پروژه و طرح‌ها به عنوان مرجع حل اختلاف توسط قانونگذار پذیرفته شده است.

در یک رأی داوری صادره از شورای فنی استان که نتیجه رأی داوری به نفع کارفرما بوده، پیمانکار خواستار ابطال نظریه داور از دادگاه از حیث شکلی به علت کیفیت ارجاع امر به داوری، تشکیل جلسات داوری، عدم رعایت مدت زمان داوری، عدم ابلاغ رأی داور و از لحاظ ماهوی، آن را موجه و مدلل نبودن نظریه مذکور مخالف قوانین موجد حق بودن آن، اختلافات مذکور در نظریه اساساً متوجه کارفرما و مدیر پروژه بوده و پیمانکار در این زمینه قصوری نداشته است که رأی به ضرر پیمانکار صادر گردیده است. استدلال دادگاه بر این بوده که مدت داوری زمانی که تعیین نگردیده طبق قانون سه ماه از تاریخ ابلاغ به داور بوده که این امر رعایت نگردیده و خارج از موعد اعلام شده و همچنین رأی داور از طریق دفتر دادگاه ابلاغ نشده است که بر این اساس رأی بر ابطال نظریه داوری صادر شده است.^۵

در تجدید نظر خواهی از این رأی صادره، شعبه تجدید نظر از آنجایی که شورای فنی دارای ضوابط خاصی بوده و مقررات داوری در مورد ارجام به شورای فنی رعایت نگردیده، رأی صادره از شعبه بدوی را تأیید می‌نماید.^۶

بنابراین ملاحظه می‌گردد که نظریات شورای فنی استان که به صورت داوری صادر گردد می‌بایست مقررات داوری از جمله ابلاغ آن توسط دفتر دادگاه و یا مدارکی دال بر ابلاغ رأی توسط شورا به طرفین را در مهلت زمان مقرر از سوی شورا جهت امر داوری را رعایت نمایند و عدم رعایت هر یک از این موارد خود از موجبات بطلان رأی توسط مراجع دادگستری خواهد بود.

□ ۲- شیوه‌های قضایی حل و فصل اختلافات

۲-۱- دیوان عدالت اداری

صلاحیت و حدود اختیارات دیوان در ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۸۵/۹/۲۵ بیان

۵- «... با عنایت به مقررات مواد ۴۷۷ و ۴۸۵ و تبصره ماده ۴۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی و نظر به اینکه در مواردی که مدت داوری معین نشده مدت آن سه ماه از تاریخ ابلاغ به داوران می‌باشد و حسب محتویات پرونده ارجاع موضوع به شورای فنی استان در تاریخ ۸۵/۱۱/۱۲ صورت گرفته است در حالی که ایشان خارج از مهلت سه ماه مذکور و بدون توافق طرفین بر تمدید مدت داوری نظریه خود را در مورخه ۸۶/۱۰/۳ اعلام کرده‌اند که بر خلاف تبصره ماده ۴۸۶ می‌باشد. از طرفی رأی داوری مذکور بر خلاف ماده ۴۸۵ از طریق دفتر دادگاه صلاحیتدار برای ابلاغ به طرفین ارسال نگردیده است و مدارکی دال بر ابلاغ رأی مذکور به خواهان حاضر ... ارائه نگردیده است و از این جهت ایراد نماینده حقوقی شرکت خواننده وارد نمی‌باشد ... بنابر این مستنداً به مواد مذکور و بند ۴ ماده ۴۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی دعاوی اصلی خواهان و جلب ثالث وی ثابت تشخیص حکم برای ابطال نظریه مورخه ۸۶/۱۰/۳ بند ۹ صورتجلسه شورای فنی استان راجع به موضوع اختلاف شرکت ... صادر می‌گردد ...». (دادنامه شماره ۸۸۰۹۹۷۳۸۱۰۶۰۰۶۱۹ مورخ ۸۸/۸/۱۹ صادره از شعبه ششم دادگاه حقوقی شهرکرد)

۶- «... دادگاه نظر به اوراق و مندرجات پرونده و منظور داوری مطروحه از موارد داوری آیین دادرسی مدنی نمی‌باشد بلکه موضوع ارجاع به شورای فنی که مجموعه خاص و تابع مقررات خود می‌باشد و نظر بر اینکه مقررات ارجاع امر به شورای فنی رعایت نشده است نتیجه رأی موصوف طبق موازین قانونی صادر شده است و موجبی برای نقض آن وجود ندارد ...». (دادنامه شماره ۸۹۰۹۹۷۳۸۱۴۳۰۱۰۶۹ مورخ ۸۹/۷/۱۰ صادره از شعبه سوم دادگاه تجدید نظر استان)

گردیده است. در خصوص ایجاد اختلاف در قراردادهای دولتی و طرح شکایت از طرف پیمانکاران، از دو روش قابل بررسی در این مرجع را خواهد داشت:

الف - آراء صادره از هیأت رسیدگی به شکایات قانون برگزاری مناقصات

یکی از موارد قابل اعتراض در دیوان عدالت اداری، مطابق بند (ب) ماده فوق الذکر، «رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آراء و تصمیمات قطعی دادگاه‌های اداری، هیاتهای بازرسی و... منحصر از حیث نقض قوانین و مقررات یا مخالفت با آنها می‌باشد». از آنجایی که آراء صادره از هیأت رسیدگی به شکایات قانون برگزاری مناقصات طبق قانون قطعی و لازم الاجرا می‌باشد لذا بعضی معتقدند «از آنجا که به نظر می‌رسد دادگاه‌ها، هیأتها و کمیسیون‌ها مطرح شده در بند (۲) ماده (۱۳) قانون دیوان عدالت اداری به صورت حصری است، نه تمثیلی و چون نامی از هیأت موضوع ماده (۷) ق. ب. م در آن بند وجود ندارد، ظاهراً آراء هیأت رسیدگی به شکایات قابل اعتراض در دیوان عدالت اداری نیست». (اسماعیلی هریسی، شرح و تفسیر قانون برگزاری مناقصات، ۲۸۷) لیکن در رویه صادره از شعب دیوان عدالت اداری در این خصوص، مشخص می‌گردد که شعب مذکور وارد رسیدگی خواهند شد. در یک مورد که دستگاه اجرایی، پس از برنده شدن پیمانکار از انعقاد قرارداد با وی خودداری و مجدداً مناقصه را برگزار نموده و پیمانکار شکایت را به دستگاه مناقصه گزار اعلام لاکن غیر مؤثر واقع و اعتراض به هیأت رسیدگی به شکایات به دلیل عدم تشکیل آن در استان بدون پاسخ مانده است، در نهایت چنین رأی صادر نموده است:

«... حال با توجه به مراتب و از آنجا که اولاً مشتکی عنه در مورد عدم وجود هیأت رسیدگی به شکایات قانون برگزاری مناقصات در استان ... که شرکت شاکی را مجبور به طرح شکایت در دیوان نموده هیچ پاسخی نداده است اصل طرح شکایت در دیوان را موجه دانسته و دیوان را در رسیدگی به موضوع مطروح صالح می‌داند در ماهیت شکایت نیز با توجه به اعتراف مشتکی عنه به اینکه پس از برگزاری مناقصه اول تازه متوجه گردیده که پروژه واگذار شده به شرکت برنده ناقص بوده و نیاز به اضافه کردن تقاطع همسطح با حجم زیاد نیز ضروری است (که در جای خود مبین میزان تخصص اداره مزبور در امر راه و ترابری است) این موضوع نمی‌تواند ناقض حق مکتسبه شرکت شاکی گردد زیرا نیاز به تقاطع همسطح ملازم با ابطال مناقصه نبوده و ضعف تخصص را نمی‌توان وسیله اضرار به غیر نمود در نتیجه و با وضع موجود پرونده و اعتراف ضمنی مشتکی عنه به ناتوانی در پیش بینی طرح‌ها و پروژه‌های قابل واگذاری شکایت را وارد تلقی و حکم به لغو و نقض تصمیم کمیسیون مناقصه به شرح دادخواست شرکت شاکی صادر می‌نماید ...» (رأی صادره به شماره دادنامه ۱۳۹۰/۳/۳۱ شعبه دوازدهم دیوان عدالت اداری) مورخ ۹۰۰۹۹۷۰۹۰۱۲۰۵۱۱

بنابر این، آرای هیأت در زمینه چگونگی فرایند مناقصه هر چند قطعی و لازم الاجرا می‌باشد لیکن این موضوع قابلیت طرح شکایت در این مرجع قضایی را خواهد داشت. هر چند رأی صادره به دلیل عدم تشکیل هیأت مربوطه در استان می‌باشد.

ب - رسیدگی به اختلافات توسط دیوان عدالت اداری در خصوص قراردادها پس از انعقاد قرارداد و در مرحله اجرا و یا پس از خاتمه آن

عده ای از حقوقدانان معتقدند «قراردادهای اداری دولت اعم از قراردادهای حقوق خصوصی دولت و قراردادهای اداری او، خارج از کنترل دیوان است، به این دلیل که قرارداد یک عمل اداری محض نیست، بلکه از توافق دو اراده ناشی می‌شود. رسیدگی به اختلافات ناشی تفسیر و اجرای قراردادهای دولت و سازمان‌ها در صلاحیت دادگاه‌های عمومی است، لکن تصمیمات اداری جدا از قراردادهای دیوان قابل طرح و شکایت هستند؛...» (طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، پیشین، ۱۳۸۴، ص ۴۳۰)

در قراردادهای این گونه استنباط می‌گردید که شکایات و اعتراضات پیمانکاران ناشی از تصمیمات و اقدامات رؤسای دستگاه‌های اجرایی در صلاحیت این دیوان باشد لکن هیئت عمومی این دیوان در دو رأی صادره، صلاحیت رسیدگی به قراردادهای را به طور کلی از خود سلب نموده است. متن آراء به شرح ذیل می‌باشد:

«نظر به این که رسیدگی به دعاوی ناشی از قراردادهای که مسائل حقوقی می‌باشند و باید به صورت ترافیعی در محاکم صالحه دادگستری مورد رسیدگی حقوقی قرار گیرند در مقررات دیوان عدالت اداری مقرر نشده و شکایات مطروحه که مستند به قرارداد اجاره مطرح گردیده از مصادیق دعاوی ناشی از قرارداد و خارج از حدود صلاحیت دیوان عدالت اداری بوده است...» (شماره دادنامه ۵۹ کلاسه پرونده ۱۹۵،۷۰، به نقل از شماره ۱۴۲۷۵ - ۱۳۷۲،۱۲،۱۴ روزنامه رسمی)

«نظر به اینکه رسیدگی به دعاوی ناشی از قراردادهای که مسائل حقوقی می‌باشد و باید بصورت ترافیعی در محاکم قضائی صالح مورد رسیدگی قرار بگیرند، خارج از شمول ماده یازده (۱۱) قانون دیوان عدالت اداری بوده و قابل طرح در دیوان مذکور نمی‌باشد. علیهذا دادنامه شماره ۸۵۶ - ۷۳،۶،۸ شعبه پانزدهم موافق قانون تشخیص می‌گردد. این رأی مستندا» به ذیل ماده بیست قانون دیوان عدالت اداری، در موارد مشابه برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوط لازم الاتباع است.» شماره دادنامه: ۳۳ کلاسه پرونده: ۶،۷۵ مورخ ۱۳۷۵/۲/۲۹ (نقل از شماره ۱۵۰۲۴ - ۱۳۷۵،۷،۹ روزنامه رسمی)

با توجه به دو رأی صادره از هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، می‌توان این نتیجه را گرفت که پیمانکاران نمی‌توانند به علت اقدامات و یا تصمیماتی که مقامات دولتی در رابطه با فرایند برگزاری مناقصه و یا در حین اجرا از جمله فسخ یا تعلیق یا تأخیر پیمان و دیگر موارد اتخاذ می‌شود در دیوان شکایت نمایند و در صورت وجود شکایت، شعب این دیوان قرار عدم صلاحیت صادر خواهند نمود. منظور از «تصمیمات» مندرج در جزء (الف) ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری، «اعمال یکجانبه اداری خاص مانند احکام استخدامی‌ها، گواهی‌ها و جوازها و تصمیمات دیگر است که از ادارات و سازمان‌ها صادر می‌شود و برای اشخاص ایجاد حق و تکلیف می‌کند.» (طباطبایی مؤتمنی، ۴۳۱) این تصمیمات زمانی قابل شکایت دارد که تصمیم از ناحیه یک مقام اداری صادر گردیده باشد. منظور از اقدامات اداری، «هر گونه عمل مادی و اجرایی است که به منظور تهیه مقدمات تصمیمات اداری و یا اجرایی آنها صورت می‌گیرد. قانون دیوان این دسته از اعمال اداری را که مبنای تصمیم‌گیری‌های اداری قرار می‌گیرند و به طور غیر مستقیم آثار حقوقی بر آنها مترتب می‌شود قابل اعتراض و شکایت می‌داند (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۴، ص ۴۳۱). لذا «مقررات دو بند مزبور تصمیمات و

اقداماتی را در بر می‌گیرد که واحدهای یاد شده و یا مأمورین آن‌ها، با توجه به اختیارات و وظایف قانونی که دارا بوده و نوعاً خاص آن‌ها، من حیث هو، می‌باشد، بر خلاف قانون یا خارج از صلاحیت خود یا با تجاوز و یا سوء استفاده از اختیارات خویش انجام داده‌اند و از این بابت حقوقی تضییع نشده است». (شمس، آیین دادرسی مدنی، جلد اول، ۱۱۸)

۲-۲- مراجع دادگستری

از جمله اصول بدیهی و مسلم علم حقوق و امر قضا، حق دادخواهی هر فرد می‌باشد. بر اساس اصل ۳۴ قانون اساسی، «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد». طبق اصل ۶۱ قانون اساسی، «اعمال قوه قضاییه بوسیله دادگاه‌های دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی بپردازد». همچنین بر اساس اصل ۱۵۹ قانون اساسی، «مرجع رسمی تظلمات و شکایات دادگستری است» لذا «در صورت بروز اختلاف، علی‌الاصول طرفین برای حل اختلاف خود به دادگاه‌های دادگستری مراجعه می‌نمایند. و رأی دادگاه فاصل خصومت بین آنان است. و حکمی که از طرف رئیس دادگاه صادر می‌شود، چون دارای سمت عمومی است، برای طرفین لازم‌الاتباع است». (شمس، آیین دادرسی مدنی، ۱۳۸۹، ص ۴۱۷)

«مسائل مربوط به صلاحیت از امور حکمی است و در دادرسی دارای اهمیت بسیاری است چرا که معیار شایستگی هر دادگاه برای رسیدگی به اختلافات مطروحه رعایت قواعد مربوط به صلاحیت می‌باشد و به منظور حسن جریان امور تقسیم اقتدار قضایی بین مراجع مختلف، صلاحیت هر یک نسبت به دیگری مشخص شده است. لذا جای تعجب نیست که قانون گذار همواره یکی از موارد نقض رأی صادره را، عدم صلاحیت مرجع رسیدگی کننده دانسته است». (قائم مقام فراهانی، ۱۳۸۴، ص ۱۵۹) بنابراین طرفین قرارداد، در زمانی که در قرارداد منعقد، هر گونه حل اختلاف را به مرجع قضایی ارجاع داده باشند و یا اینکه موضوع را به ماده ۵۳ شرایط عمومی پیمان ارجاع و در نهایت پیمانکار رأی داوری را مورد قبول نداشته باشد می‌تواند در اختلافات حاصله نسبت به شکایت یا طرح دادخواست اقدام نمایند و این حق سلب شدنی نیست. لذا بر اساس اصل ۱۶۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به قانون و اصولی باشد که براساس آن حکم صادر شده است». از طرف دیگر طبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فناوری معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقض یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه، از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد».

در پایان و در یک پرسش و پاسخ، این گونه مطرح گردیده، «قراردادهایی که براساس مواد ۴۵ و ۴۷ شرایط عمومی پیمان توسط ادارات دولتی فسخ می‌گردد آیا امکان پذیرش تقاضای ابطال، فسخ

یا دادرسی فوری وجود دارد یا خیر؟

پاسخ: نظر به اینکه بین پیمانکار و کارفرما در خصوص اعتبار یا بی اعتباری فسخ طبع قضایی دارد و اختلاف در خصوص انجام یا عدم انجام تعهدات قراردادی است، بنابر این مرجع صالح در این خصوص دادگاه عمومی است». (معاونت آموزش قوه قضائیه، ۹۱)

□ ۳ - نتیجه گیری:

الف - از آنجایی که اموال عمومی و دولتی متعلق به عموم افراد جامعه است، نمی‌توان آن را مورد مصالحه و داوری قرار داد. و داوری در واقع، پذیرش حل اختلاف حاصله از سوی مراجع غیر رسمی و غیر قضایی است و مرجع دیصلاح رسمی در حل اختلافات، دادگاه است که رأی آن دارای اعتبار و وجهه قانونی می‌باشد. بنابراین تصویب و امضا تیپ سند قرارداد و شرایط عمومی و خصوصی پیمان به منزله جواز ارجاع اختلاف به داوری نمی‌باشد. زیرا در هنگامی که طرفین نسبت به تنظیم قرارداد و شرط داوری در آن اقدام می‌نمایند، دعوی هنوز محقق نگردیده و نیازی به تصویب هیأت وزیران یا مجلس نمی‌باشد. بنابراین در هریک از پیمان‌ها در صورت اختلاف بین کارفرما و پیمانکار، می‌بایست رعایت موارد مندرج در اصل ۱۳۹ قانون اساسی و ۴۵۷ آیین دادرسی مدنی مورد لحاظ قرار گیرد. این امر به این خاطر است که اختلافات راجع به اموال دولتی به آسانی مورد تعرض قرار نگرفته و نمایندگان مردم نیز در جریان این امور باشند. از طرفی در اصل ۱۳۹ قانون اساسی بیان گردیده، که موارد مهم را قانون تعیین می‌کند، که تاکنون راجع به این موضوع قانون خاصی از سوی مجلس شورای اسلامی به تصویب نرسیده است که این امر برداشتهای متفاوتی را از این اصل بیان نموده است و علیرغم استفساریه حاصله از شورای نگهبان در خصوص این اصل، موارد آن تاکنون مشخص نگردیده است بنابراین اصل ۱۳۹ و ماده ۴۵۷ تاکنون قانونمند نگردیده و شورای نگهبان هم نتوانسته آن را به نحو جامع و مانع مورد تفسیر قرار دهد. لذا ضرورت دارد طرح یا لایحه قانونی از سوی دولت یا نمایندگان مجلس شورای اسلامی در این خصوص تهیه تا در خصوص تعیین موارد داوری در آن موارد تصمیم گیری نهایی گردد.

ب - در آراء شورای عالی فنی بر اساس ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی مدنی، داوران در رسیدگی و رأی، تابع مقررات قانون آیین دادرسی نیستند، ولی باید مقررات مربوط به داوری را رعایت کنند، لیکن در بررسی آراء صادره، این قاعده از حیث مدت زمان رسیدگی داور، نحوه ابلاغ رأی توسط دفتر دادگاه رعایت نمی‌گردد که این امر باعث ابطال آراء صادره از سوی مراجع قضایی می‌گردد که پیشنهاد می‌گردد مقررات مربوطه توسط شورای فنی استان‌ها مورد رعایت قرار گیرد.

ج - از آنجایی که در اساسنامه هیأت رسیدگی به شکایات قانون برگزاری مناقصات و آیین نامه اجرایی آن، پس از صدور رأی توسط هیأت، هیأت تجدید نظری پیش بینی نگردیده است بنابر این از حیث عدم تضییع حقوق افراد شاکی، شایسته است تا قانونگذار مرجع جدیدی را در این خصوص پیش بینی نماید. از طرفی از آنجایی که طبق قانون آراء صادره از هیأت مربوطه، لازم الاجرا می‌باشد لذا این استنباط تلقی می‌گردد که آراء مذکور قابلیت طرح در دیوان عدالت اداری را نخواهد داشت. بنابر این پیشنهاد می‌گردد قانونگذار مرجع رسیدگی نهایی را به صراحت در قانون مشخص نماید.

□ منابع و مأخذ

الف: کتب

- ۱ - اسماعیلی هریسی، ابراهیم، (۱۳۸۷) مبانی حقوقی پیمان، تهران، انتشارات جاودانه جنگل، چاپ چهارم،
- ۲ - اسماعیلی هریسی، ابراهیم (۱۳۸۷)، شرح و تفسیر قانون برگزاری مناقصات، تهران، انتشارات دادگستر، چاپ اول،
- ۳ - بازگیر، یدالله، (۱۳۸۶)، داوری و احکام راجع به آن، تهران، انتشارات فردوسی، چاپ دوم،
- ۴ - رضایی زاده، محمدجواد، (۱۳۸۵) حقوق اداری ۱، تهران، نشر میزان، چاپ اول،
- ۴ - شمس، عبد الله، (۱۳۸۹) آیین دادرسی مدنی، تهران، انتشارات دراک، چاپ بیست و دوم، جلد اول
- ۵ - شمس، عبدالله، (۱۳۸۹)، آیین دادرسی مدنی، تهران، انتشارات دراک، چاپ شانزدهم، جلد سوم
- ۶ - طباطبائی موتمنی، (۱۳۸۴) منوچهر، حقوق اداری، تهران، انتشارات سمت، چاپ دهم
- ۷ - متین دفتری، احمد، (۱۳۸۷)، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، تهران مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ اول
- ۸ - مدنی، سید جلال، (۱۳۷۲) آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ سوم،
- ۹ - معاونت آموزش قوه قضائیه، (۱۳۸۶) رویه قضایی در ارتباط با دادگاه‌های عمومی حقوقی، تهران، انتشارات جنگل، جلد اول،
- ۱۰ - معین، محمد (۱۳۷۱)، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیر کبیر،

ب: مقالات

- ۱ - سکوتی، حاجی نوری، رضا و غلامرضا، (زمستان ۸۹) «روش حل اختلاف در قراردادهای ساختمانی»، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، سال دوازدهم، شماره ۳۱،
- ۲ - قائم مقام فراهانی، محمد حسین، (تابستان ۸۴) «صلاحیت در رسیدگی به امور مدنی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۸،
- ۳ - کاویانی، کوروش، اصل ۱۳۹ قانون اساسی و شرط داوری در قراردادهای مصوب مجلس شورای اسلامی، پژوهش حقوق و سیاست، ص ۱۳۱
- هـ - قوانین و مقررات
- ۱ - قانون اساسنامه رسیدگی به شکایات قانون برگزاری مناقصات، مصوب ۸۸/۱۲/۱۶ مجلس شورای اسلامی
- ۲ - قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۴/۸/۱۵ مجلس شورای اسلامی، شماره روزنامه رسمی ۱۷۷۰۵ مورخ ۱۳۸۴/۹/۱۴
- ۳ - قانون برگزاری مناقصات، مصوب ۸۳/۱۱/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام، شماره روزنامه

رسمی ۱۷۴۷۴ مورخ ۱۳۸۳/۱۱/۲۹

۴ - قانون برنامه و بودجه کشور، مصوب ۱۳۵۱، ۱۲، ۱۰، شماره روزنامه رسمی ۸۲۱۰ مورخ ۱۳۵۲/۱/۱۲

۵ - قانون دیوان عدالت اداری، مصوب ۸۵/۳/۹

۶ - قانون حداکثر استفاده از توان فنی و مهندسی تولیدی و صنفی و اجرایی کشور در اجرای پروژه‌ها و ایجاد تسهیلات به منظور صدور خدمات، مصوب ۱۳۷۵/۱۲/۱۲ مجلس شورای اسلامی، شماره روزنامه رسمی ۱۵۱۸۷ مورخ ۱۳۷۶/۲/۳

۷ - لایحه قانونی راجع به اصلاح تبصره ۸۰ قانون بودجه سال ۱۳۵۶ کل کشور، مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۳ شورای انقلاب، شماره روزنامه رسمی ۱۰۲۰۳ مورخ ۱۳۵۸/۱۲/۱۲

۸ - ماده واحده قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی مورخ ۱۳۴۸/۳/۱۹

۹ - آیین نامه نحوه دریافت هزینه‌های انجام داوری توسط شورای عالی فنی به شماره ۲۳۱۸۹/ت ۳۵۰۸۲ هـ مورخ ۸۵/۳/۷ هیئت وزیران

۱۰ - تصویب نامه شماره ۵۰۰۵ / ۲۸۵۹۱ / مورخ ۸۲/۳/۱۲ برای ارجاع اختلاف‌های ناشی از اجرا یا تفسیر قراردادهای مربوط به طرح‌های عمرانی به شورای عالی فنی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور

۱۱ - آیین نامه اجرایی قانون اساسنامه رسیدگی به شکایات قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۹/۱۲/۲۴

۱۲ - بخشنامه مربوط به ابلاغ موافقتنامه، شرایط عمومی و شرایط خصوصی پیمان‌ها و مقررات آن‌ها به شماره ۵۴/۸۴۲ ۱۰۲/۱۰۸۸ مورخ ۷۷/۳/۳ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور